

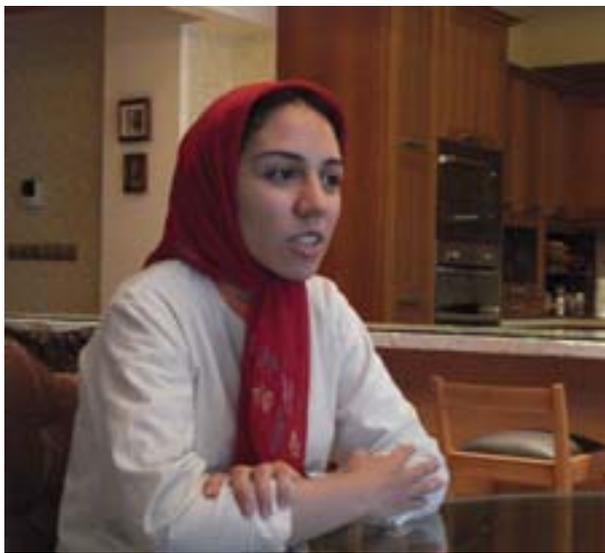
مسافر قطب جنوب



حدود هشت سال پیش گروهی که در زمینه قطبها تحقیقاتی را انجام می دادند، موسسه‌ای را با نام «دانش‌آموزان روی یخ، students on ice» تاسیس کردند که هدف آن آشنا کردن نوجوانان و دانش‌آموزان با قطبها بود.

هدف این بار جنوبگان بود. مسافران قطب هریک از طریق کشورهايشان برای این سفر معرفی شدند و مسافر ایران از طریق آرمونی که از سوی انوشه انصاری - مسافر فضا- برگزار شده بود، از میان صدها دانش‌آموز انتخاب گردید و آیرین شیوایی؛ دانش‌آموز منتخب، توانست با حمایت مالی خانم انصاری سفر خود را آغاز کند.

او با روی خوش ما را پذیرفت. با چنان هیجانی در مورد کوه‌های آبی و سبز یخی صحبت می کرد گویی هم‌اکنون نیز خود را در مقابل آن‌ها می‌بیند؛ در قایق، همراه با گروه، در کنار دوستانی که ۱۵ روز در کنار هم آموختند و به بکرترین نقطه کره زمین سفر کردند. با هیجان می گفت: «خیلی برایم عجیب بود، مخصوصا اینکه با گروهی از کل دنیا سفر می کردم. اما تا پیش از ورودم به قطب اصلا فکر نمی کردم که چه جای فوق‌العاده‌ای باشد». با او در مورد سفرش به قطب و تحقیقاتش در زمینه ستارگان گفت‌وگویی داشتیم که می‌خوانید.



از یخچال‌ها هستند که در آب شناور می‌باشند. این کوه‌های یخی بسیار زیبا و از نظر اندازه متفاوت هستند، یعنی می‌توانند خیلی کوچک باشند یا خیلی بزرگ که در این شرایط ارتفاع آن‌ها به چندین متر می‌رسد و به خاطر فرسایش آب و باد شکل‌های متفاوتی دارند و برخلاف تصور همه که فکر

می‌کنند یخ الزاما باید سفید باشد، در جنوبگان یخ‌ها به رنگ آبی تیره و آبی که رو به بنفش می‌رود و همچنین آبی خیلی روشن و متمایل به سبز وجود دارد.

چه زمینه‌های تحقیقاتی در قطب جنوب وجود دارد که باعث سکونت محققان در آن منطقه شده است؟

مطالعاتی که در قطب‌ها انجام می‌شود مشترک و اغلب در زمینه مسائل اجتماعی مربوط به اسکیموها و تاریخچه قطب‌ها به خصوص قطب جنوب است، زیرا این سرزمین از سال ۱۸۲۲ کشف شده و تاریخچه‌اش چندان هم به قبل باز نمی‌گردد ولی در همین مدت هم چیزهای جالب بسیاری برای مطالعه ایجاد شده است، هم چون کشتی‌های غرق شده، ماجراجویانی که رفته‌اند، اما هیچ‌گاه بازنگشته‌اند، گونه‌های گیاهی و جانوری، جانوران مهاجر منطقه، جریان‌های آب و هوایی منطقه و حتی یخ‌ها که به شکلی تاریخچه زمین را در بر می‌گیرد، چون این یخچال‌ها دائمی هستند و بسیاری از آن‌ها متعلق به میلیون‌ها سال پیش است. نحوه شکل‌گیری این یخچال‌ها هم به گونه‌ای است که برفی که می‌بارد در یک مدت زمان انباشته شده و فشرده و دائمی می‌شود. این برف در هنگام بارش، حباب‌های هوایی را در خودش به دام می‌اندازد. مطالعه این حباب‌های هوا نشان دهنده دوره تاریخی آن است، ویژگی‌های آن زمان یا مسئله گرمایش زمین و عصر یخبندان را از طریق همین حباب‌ها به دست آورند. این مطالعات بسیار گسترده است.

این احتمال وجود دارد که دایناسورها هم در این منطقه بوده‌اند؟

بله، حتی من در جایی خواندم که فسیل دایناسوری که خاص قطب جنوب بود را کشف کرده‌اند.

در ایران تشکیلاتی وجود دارد که ایرانیان را به این گونه سفرها اعزام کند؟

خیر، فکر نمی‌کنم که چنین تشکیلاتی وجود داشته باشد. اما ایرانیان

مسافر قطب

گفت‌وگو با آیرین شیوایی

چرا سفر به قطب جنوب؟

سفر به قطب جنوب یک سفر آموزشی بود که محدوده سنی ۱۹-۱۴ را شامل می‌شد. من از طریق خانم انوشه انصاری برای این سفر انتخاب شدم. ایشان می‌خواستند یک نفر را با هزینه خودشان به این سفر بفرستند و برای اینکه بتوانند کسی را انتخاب کنند، تعدادی از دانش‌آموزان را از طریق رابط‌هایی که در

ایران داشتند شناسایی کردند و دو مصاحبه از من گرفتند، یکی کتبی از طریق ایمیل و دیگری هم به صورت شفاهی که یک گروه داوری با من تماس گرفت و حدود نیم‌ساعت صحبت کردند و سوالات مختلفی از من پرسیدند که چرا می‌خواهی به این سفر بروی؟ هدفت از این سفر چیست؟ بعد از سفر با اطلاعاتی که به دست آوردی می‌خواهی چه کار کنی؟ چقدر کار علمی انجام داده‌ای و... بیشتر بار علمی برایشان مهم بود و زبان انگلیسی چون تنها پل ارتباطی ما به حساب می‌آمد.

قبل از سفر مطالعاتی هم داشتید؟

مطالعات به صورت پراکنده بود و از طرفی سازمانی که ما را به این سفر اعزام کرد منابعی را برای آشنایی بیشتر در اختیارمان قرار داد و نیز چند مقاله کوتاه راجع به قطب جنوب و قطب شمال در سایت موسسه مطالعه کردم.

در این مدت با انوشه انصاری از نزدیک ارتباطی داشتید؟

خیر، ارتباط اصلی من با خانم انصاری نبود، من با مدیر برنامه‌های ایشان در ارتباط بودم.

در هنگام سفر چه آموزش‌هایی به شما می‌دادند؟

این سفر در کل آموزشی بود و ما هر زمان آزادی که در مجموع یک سفر آموزشی بود که در زمان‌های فراغت یا در سخنرانی‌ها شرکت می‌کردیم و یا در کارگاه‌های آموزشی حضور داشتیم. در کنار بازدید از هر منطقه آموزش‌هایی هم راجع به آن منطقه به ما می‌دادند؛ از قبیل: تاریخچه، حیوانات، جانوران، پوشش گیاهی منطقه، اقیانوس‌های اطراف و مسائل مختلفی که مربوط به قطب جنوب می‌شد. در ضمن آموزش‌های دیگری در زمینه مسائل زیست‌محیطی دو قطب مثل گرمایش زمین و وضعیت لایه ازن و یخچال‌ها ارائه می‌شد.

تفاوت جنوبگان و شمالگان در چیست؟

تفاوتی که بین جنوبگان و شمالگان وجود دارد این است که جنوبگان قاره است، یعنی یک سرزمین خشک پوشیده از یخ، اما شمالگان تکه‌های یخ شناور بر روی آب است، به این معنا که یک قاره جدا نیست. در شمالگان منطقه زندگی بسیاری از مردم در قاره‌های دیگر هم چون کانادا، روسیه و شمال اروپاست. یعنی اسکیموهایی هستند که در این سرزمین‌ها زندگی می‌کنند.

درباره یخچال‌ها توضیح دهید.

در جنوبگان یخ‌های دائمی وجود دارد که یخچال گفته می‌شود و یکی از ویژگی‌های بارز این سرزمین کوه‌های یخی است که در تمام اقیانوس وجود دارد. این کوه‌ها تکه‌های یخ جدا شده

همسفرهای من دو دسته بودند. دسته اول شرکت کنندگان بودند و دسته دوم، برگزارکنندگان. بچه‌های شرکت‌کننده که هم سن و سال خودم بودند و یا کوچک‌تر و هیچ اطلاعی از ایران نداشتند و اگر هم کسی می‌دانست خیلی کم بود. اما گروه برگزارکنندگان، گروه آموزش و مربیانی که همراه ما بودند از ایران اطلاعات کاملی داشتند و همه خوشحال بودند که من توانسته بودم از ایران به این سفر بیایم.

به راحتی می‌توانند در این سفرها شرکت کنند، چون بسیاری از این سفرها بین‌المللی است، یعنی سازمانی هست که از کل دنیا ثبت‌نام و زمان سفر را مشخص می‌کند و این افراد از سراسر دنیا در یک مکان مشخص - به طور مثال آرژانتین یا در بوینس ایرس- جمع می‌شوند و سفر خود را به قطب جنوب شروع می‌کنند.

آیا تا پیش از این سفر، سفر علمی دیگری به این شکل داشته‌اید؟

بله، خیلی زیاد، چون خانواده‌ام من را به این نوع سفرها خیلی تشویق می‌کنند و دیگر اینکه کار نجومی که انجام می‌دهم باید در زیر آسمان تاریک باشد و به همین دلیل من باید از شهر دور شوم، به همین دلیل بخشی از سفرهای من رفتن به کویر است.

فکر می‌کنید بعد از این سفر به چه منطقه دیگری بروید که در همین حد برایتان جالب باشد؟

اگر پیش بیاید دوست دارم دوباره به همان جا بروم. قطب جایی نیست که آدم را خسته کند، شاید فکر کنید که ممکن است تکراری شود، اما من خیلی دوست دارم که دوباره به آنجا بروم.

نظراتان درباره طبیعت ایران چیست؟

سفرهای طبیعت‌گردی من از ایران شروع شد. در ایران هم می‌شود مناطق بکر و خاص پیدا کرد و تنها تفاوت در این است که در قطب همه جا بکر است ولی در ایران باید گشت تا یک چنین جایی را پیدا کرد. اما در عین حال ایران ما یک ویژگی خاصی دارد و آن این است که ما دریا، جنگل، کوه و... را در کنار هم داریم. یکی از علایق من گشتن در ایران است. من دوست دارم قبل از اینکه جاهای دیگر را بگردم ایران را ببینم چون ایران آنقدر پتانسیل برای دیدن دارد که ما الزامی نداریم که چندان هم به جای دیگری فکر کنیم.

خاطره‌انگیزترین نکته این سفر چه بود؟

چیزی که هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم زمانی است که سوار قایق‌های کوچک می‌شدیم و بین آن یخچال‌های با عظمت می‌گشتیم. در آن زمان من واقعا از خود بی‌خود می‌شدم و فقط در یک زمان این چنین حالتی را پیدا کرده بودم، آن هم زمانی بود که زیر آسمان پر ستاره در دل کویر بودم و وقتی که بین این یخچال‌ها حرکت می‌کردیم از قایقران می‌خواستم که نزدیک‌تر برویم البته از یک حد مشخص نمی‌شود به این کوه‌ها نزدیک شد، اما من آن قدر ذوق داشتم که نمی‌دانستم با کدام دوربین از این زیبایی تصویربرداری کنم و اولین باری که این منظره را دیدم به گریه افتادم. در ضمن نزدیک شدن به این کوه‌ها واقعا خطرناک است، چون ۸۰ درصد آن‌ها در زیر آب می‌باشد و آن عظمتی که ما می‌بینیم تنها ۱۰ تا ۲۰ درصد آن است. بخش زیادی از آن‌ها در زیر آب قرار دارد که ما نمی‌بینیم به چه شکل قرار گرفته و ممکن است قایق سوارخ یا وارونه شود.

این آموزش‌ها از سوی آنان در زمینه گونه‌های جانوری مثلا پنگوئن‌ها هم بود؟

بله، اما از ۱۶ گونه پنگوئنی که دسته‌بندی کرده‌اند ما سه گونه را دیدیم. پنگوئن‌ها بیشترین حیواناتی بودند که در قطب جنوب زندگی می‌کردند یعنی از همان ابتدا که ما وارد جنوبگان شدیم، آن‌ها را در آب می‌دیدیم که در اطراف کشتی بالا و پایین می‌پریدند و یا اینکه



روی یک تکه یخ که شناور است نشستند، درست مثل اینکه سوار تاکسی هستند. ما هر جزیره‌ای که پیاده می‌شدیم یک دسته از این پنگوئن‌ها بود که در آن منطقه زندگی می‌کردند.

پنگوئن‌ها با انسان‌ها چگونه ارتباط برقرار می‌کردند؟

به خاطر مراقبت‌هایی که از آن منطقه می‌شود و قوانین حفاظتی که وجود دارد، برای پنگوئن‌ها حضور ما چیز عجیبی نبود، چون ما اجازه نداشتیم بیشتر از پنج متر به کلیه حیوانات منطقه نزدیک شویم، زیرا می‌خواهند که این سرزمین همین‌طور بکر باقی بماند و به خاطر این قوانین آن‌ها اصلاً فکر نمی‌کنند که به آن منطقه یک موجود غریبه وارد شده است.

به جز پنگوئن‌ها چه حیوانات دیگری در قطب جنوب زندگی می‌کنند؟

به غیر از پنگوئن‌ها ما دو نوع فوک در آنجا دیدیم. یکی پلنگ دریایی بود که به خاطر خال‌هایی که روی پوستش داشت به این نام معروف شده بود و دیگری هم فیل دریایی که به خاطر شکل خاص دماغش که شبیه به خرطوم فیل است او را به این نام می‌خوانند و همچنین انواع پرنده‌ها که اکثراً مهاجر هستند و بخش زیادی از زندگیشان روی آب و یا در حال پرواز هستند و فقط برای تخم‌گذاری به سمت خشکی می‌روند. درازبال‌ترین پرنده آنجا آلباتراس نام که از نوک یک بال تا نوک بال دیگرش حدود سه متر می‌باشد و در تمام طول سفر در دو طرف کشتی ما پرواز می‌کرد. ما هر وقت که روی عرشه می‌رفتیم آن‌ها را می‌دیدیم.

قطب جنوب تحت نظر دولت خاصی اداره نمی‌شود، پس این قوانینی که می‌گویید را چه کسی وضع می‌کند؟

برخی کشورها مثل انگلیس، فرانسه، سوئد، آمریکا، کانادا، آرژانتین، شیلی و... دور هم جمع شدند و عهدنامه‌ای به نام عهدنامه جنوبگان منعقد کرده‌اند که این قوانین در آنجا ذکر شده است و هر سال جلسات عمومی را تشکیل می‌دهند. این کشورها در جنوبگان پایگاه‌های تحقیقاتی دارند و ادعا می‌کنند که بخشی از جنوبگان متعلق به آن‌ها است. زمانی که نقشه جنوبگان را نگاه کنید می‌بینید که بسیاری از مناطق در این کشورها مشترک است یعنی دو کشور با هم ادعای مالکیت یک منطقه را دارند ولی این ادعاها رسمیت بین‌المللی ندارد. برای رفتن به جنوبگان نیاز به ویزای هیچ کشوری نیست چون جنوبگان متعلق به هیچ کس نیست.

تا چه حد بعد علمی سفر برایتان اهمیت دارد؟

سفرهای من بیشتر در طبیعت بکر است و سعی می‌کنم قبل از سفر اطلاعاتی را هم از نظر جغرافیایی و تاریخی به دست آورم و یکسری کارهای آماتوری است که با دوستانم از طریق کتاب‌های پرنده‌شناسی، ردپای حیوانات و... انجام می‌دهم، اما اینکه حتما همه سفرهای من علمی باشد این‌طور نیست. من هم به صورت یک طبیعت‌گرد سفر می‌کنم و هم به سفرهای علمی می‌روم. این‌ها ۲ شیوه جدا از هم برای سفر

در گروه آقای بود که درباره بخش تاریخی قطب برای ما صحبت می‌کرد. یکی از بچه‌ها از او پرسید که علم از کجا آمده و او شروع کرد به توضیح دادن از انسان‌های اولیه تا رسید به ایران و تمام دانشمندان ایرانی مثل ابن‌سینا و ابوریحان بیرونی و... را نام برد و گفت که این‌ها دانشمندانی بودند که به پیشرفت علم کمک زیادی کردند.

پروژه نگاه علمی انسان و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

به عنوان یک زن ایرانی که به قطب سفر کرده برخورد همسفرانتان با شما چگونه بود؟

همسفرهای من دو دسته بودند. دسته اول شرکت کننده‌ها بودند و دسته دوم، برگزارکنندگان. بچه‌های شرکت‌کننده که هم‌سن و سال خودم بودند و یا کوچک‌تر و هیچ اطلاعی از ایران نداشتند و اگر هم کسی می‌دانست خیلی کم بود. اما گروه برگزارکنندگان و گروه آموزش و مربیانی که همراه ما بودند از ایران اطلاعات کاملی داشتند و همه خوشحال بودند که من توانسته بودم از ایران به این سفر بیایم. من برای گرفتن ویزا یک مقدار با مشکل مواجه شدم و تا چند روز قبل از سفر، آرزاتین به من ویزا نمی‌داد. اما برخورد بزرگ‌ترها برایم خیلی جالب بود. در آن گروه آقای بود که درباره بخش تاریخی قطب برای ما صحبت می‌کرد. یکی از بچه‌ها از او پرسید که علم از کجا آمده و او شروع کرد به توضیح دادن از انسان‌های اولیه تا رسید به ایران و تمام دانشمندان ایرانی مثل ابن سینا و ابوریحان بیرونی و... را نام برد و گفت که این‌ها دانشمندی بودند که به پیشرفت علم کمک زیادی کردند.

آیا هنوز با همسفرانتان ارتباط دارید؟

با بعضی از آن‌ها از طریق ایمیل و اینترنت در ارتباط هستیم.

در زمینه محیط زیست فعالیتی هم داشته‌اید؟

بعد از بازگشت از این سفر، مطالعاتی را انجام داده‌ام و آموزش‌هایی

هستند و هیچ ارجحیتی بر هم ندارند. بسیاری از اوقات سفرهای من به بهانه علمی است چون زمانی که شب‌ها تا صبح برای رصد به منطقه‌ای می‌روم، صبح هم سعی می‌کنم خود آن منطقه را بگردم.

فعالیت‌های شما در بخش نجوم به چه صورت است؟ گویا شما به عنوان داور در مسابقه ماراتون مسیه شرکت داشته‌اید؟

ما یک مسابقه ماراتون مسیه داریم و یک رقابت صوفی که برگرفته از نام عبدالرحمن صوفی است. مسابقه دوم متعلق به ایران و مسیه برای کلیه کشورها می‌باشد که یک مسابقه رصدی است و هر سال در یک زمان مشخص رصدگرهای کل ایران از طریق بخش آماتوری انجمن نجومی ایران ثبت‌نام می‌کنند و زیر آسمان پر ستاره می‌روند تا در تاریکی شب اجرام آسمانی مثل کهکشان و خوشه ستاره‌ای و... را طبق لیستی که در اختیارشان قرار داده می‌شود رصد کنند. کسانی که بیشترین تعداد را رصد کنند، جزو برگزیدگان به حساب می‌آیند و در این مسابقه هر داور ۶-۵ رصدگر دارد که این رصدگرها طبق آن لیست هر جرمی را که پیدا می‌کنند به داور نشان می‌دهند تا درست یا نادرست بودن آن تایید شود. من یک‌بار در رده دوربین‌های دو چشمی و یک‌بار هم در رده تلسکوپ برگزیده شدم و بعد از ۲ سال در جمع داوران قرار گرفتم. یعنی یک دوره داور مسیه بودم و یک دوره داور صوفی.

به جز نجوم و رشته تحصیلتان که فیزیک است به چه فعالیت‌های دیگری علاقه‌مند هستید؟

من در حدود هفت‌سال پیانو می‌نواختم، اما چند سالی است که دیگر پیانو نمی‌نوازم چون کارهای دیگری مثل درس و نجوم دارم. من همیشه در کنار درس، نجوم و زبان را حفظ کردم و دیگر زمان چندان پیدا نمی‌کنم که بتوانم پیانو بنوازم. باید بگویم که عکاسی را هم خیلی دوست دارم و گاهی عکاسی می‌کنم. از کودکی کتاب رمان و داستان دوست داشتم و شب‌ها بدون کتاب خواب نمی‌برد. همین‌طور نوشتن از دیگر علاقه‌های من است.

روزهای خوشایند ما در مطالعات فرهنگی
زمان حال نجوم ایرانی

هم دیده‌ام. همچنین چند برنامه سخنرانی در مدارس راجع به قطب‌ها و سفرم داشتیم و از اول تابستان با یکی از دوستانم برای روزنامه جام جم یک ستونی داریم که هر هفته سه‌شنبه‌ها قرار است راجع به گرمایش زمین در آن مطلبی بنویسیم.

سخن آخر:

من همیشه سعی کردم آن چیزی را که مورد علاقه‌ام هست را به دست بیاورم و نگذاشتم که هیچ اتفاقی مانع آن شود. فکر می‌کنم هر آنچه را که دوست داریم با سعی و تلاش می‌توانیم داشته باشیم.



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تال جامع علوم انسانی